و امام الهمام زین المحدثین ابو الفضایل الحسن الصغانی روح الله روحه در کتاب در الملتقط آورده که از جمله منکرترین موضوعات احادیثست که در
باب فضایل سور از قرآن روایت میکنند از ابی ابن کعب رضوان الله علیه و نسبت آن بزرگوار در روایت این احادیث نزد محققان ثابت
نگردد و اضع این احادیث کسی از عباد و عبادان ابو عصمه نوح مروزی گفته‌اند چون سبب وضع این حدیث ازوی استفسار نمودند در جواب گفته که چون
دیدم که بعضی بمذاکره اشعار لطیفه و جمعی بمطالعه فقه ابو حنیفه و غیر آن مشغول‌اند و تلاوت قرآن را بر طرف نهاده از روی شفقت در فضیلت هر سوره حدیثی
وضع کردم تا رغبت مردم بقراءت قرآن بیفزاید امام صغانی رحمة الله علیه فرموده که در اکثر تفاسیر این احادیث را آورده‌اند و کم تفسیر از آن خالی
گذاشته‌اند مگر آنکه عصمت الهی مولف را از موضوعات صیانت نموده باشد بیت بی عصمت او از ذلل ایمن شوان بود ، و درین ترجمه بقدر
طاعت از موضوعات اجتناب نموده بعضی از احادیث معتبره که در شان آیات و سور وارد شده مذکور خواهد شد بتوفیق الله و المنه
اما خواص سور و آیات از آن ظاهرترست که بر هر که شامه تاویلش شمه از روایح ریاحین شرع و عقل گلشنی از فوایح بساطین معرفت
فرع و اصل استشمام نموده مخفی مانده باشد وما احتیاج النهار الی الدلیل بیت هیچکس برهان نجوید بر دلیل آفتاب ، بر وجود او ظهور او دلیل روشن
است ، و چون این محل مقتضی اندک بسطی هست از ایراد دو سه کلمه که موجب مزید وضوح چاره گزیر نیست باید دانست که هر چه در عرصه ابداع و تکوین
کسوت ظهور پوشید و نماند از بسایط علوی تا مرکبات سفلی هیچ بی خاصیتی نیست چنانچه در تاثیر نظرات و نشرات فواعل علویه بحکم قادر دیان
و تاثیر قوابل سفلیه از ان بفرمان خالق انس و جان مشهور شده و در هر یک از موالید ثلثه انواع خواص و اصناف منافع در معالجات و غیر آن محسوس
گشته پس حروف که احاطه آن موجودات را شامل است بضرورت باید بی خاصیتی نباشد و یکی از اکابر اهل التحقیق در رساله خود آورده که جواهر حروف
که بعینها از جناب جلال حضرت قدس لایزال که منبع قوت و مجمع تاثیرات بدین جهان آمیزش و مبدأ آن آلایش شرف نزول ارزانی
داشته مشتمل بر خواص کلیه است چنانچه بحسب تجرید از تکرار حروف چاره زوال امراض دریافته‌اند و بتذکار حروف یابسه تسکین رطوبات
معاینه دیده و از ترکیب بعضی حروف که حکمای هند جهت دفع مضرت سموم و سلامت ابدان از اثر گزیدن عقارب و حیات و مانند آن
ترتیب داده و افسون نام نهاده‌اند اثرهای کلی ظاهرست و غیر مشاهده رفته وَالْعِيَانُ لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْبَيَانِ و این سخن که تقریر یافت
بحسب حروف و کلمات است بر سبیل عموم اگر کسی بخصوص نظر در شربت خانه حروف و کلمات قرآنی کند از منطوق وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ
مَا هُوَ شِفَاءٌ فهم توان کرد که هر خاصیتی که در تمام اشربه و ادویه و تریاقات و سایر مرکبات یافته شود در شربت خانه کلمات قرآنی و دار الشفاء
کتاب مستطاب آسمانی به بهترین وجهی کاملترین لفظی موجود خواهد بود و مؤید همین قول است آنکه ابو العباس بونی در تعلیق آورده که بحکم مَا فَرَّطْنَا
فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ باید که هر چه طلبند از فواید ملکی و عواید ملکوتی مجموع آن در قرآن بتصریح یا بتلویح مذکور باشد غایتش آنکه ادراک
دقایق آن بغایت صعب المأخذ است و بمدد الطاف ربانی و استطلاع یزدانی اشراف بر اصناف و اطلاع بر انواع آن میسر گردد
و آنچه مطلوب جوید و اهرا که کدام مقصود و پوید که زبان کیفیت و نشان کیفیت آن با جمیع مضافات و منسوبات در طی کلمات معجز
سمات مندرج باشد ع آن نقد گداست که در گنج تو نیست ، و بعد آنکه بدلایل نقلی و براهین عقلی ثابت شد که این کتاب اعظم و اشرف
کتب منزله است و آیات اشرف و اکبر از آیات صحف دیگر و معجزات اظهر از سایر معجزات و اسما مذکوره در او اعظم از بواقی اسما مسطوره

و در صحایف

در صحایف متقدمه هر آینه خاصیتهای او از خواص دیگر کتابها اکثر و انفع خواهد بود و بجامعیت او تصرفات کلی در عالم کون و فساد میتواند داد
و سر حدیث فاتحة الکتاب شفاء من کل داء بدین معنی دلیل صحیحست و قصه رقیه و تعاویذ از کلمات قرآنی که حضرت رسالت صلعم بدان ایماء
میفرموده‌اند و بر صحت این دعوی برهان صحیح و از منقوله بعضی سور و آیات بر وجهی که در رسایل بونیه و خواص تمیمی و الدر النظیم امام ابو عبد الله
یافعی و منتهی مولفات امام احمد سبتی و ابن الملقن مصری و ابو عبد الله زراکی و غیر ایشان مثبت است و سر کلمه بر قوم خواهد شد و از ده ...
ارشاد و عنوان الطلس در شرایط تدبر تفکر در الفاظ و معانی آیات قرآنیه بدانکه تدبر از جمله آداب معنوی قرآنست و آدابی که تعلق بقرآن دارد دو نوع
است صوری و معنوی ظاهری و باطنی بر نسبت قرآن رعایت مجموع آداب نماید از فیض او بهره مند نشود بیت از خدا جوییم توفیق ادب
بی ادب محروم گشت از لطف رب چون بتقریب تدبر که یکی از آداب است سر رشته سخن با دبهای قرآنی کشید اگر جهة انتظام کلام جمعیت
آن ذکر هر دو قسم از آداب صفت توضیح یابد مظنه آنست که به پیرایه قبول قلوب محلی خواهد بود و من الله تیسیر المقصود بدانکه ادبهای ظاهری قرآن
که قاری را رعایت آن باید نمود هست اول طهارت اگر قاری از مصحف خواند بر وجهی که مس آن کند و محدث را مس مصحف جایز نیست که ...
متجافی و اگر از ظهر القلب خواند بی وضو جایز است افضل آنکه با وضو باشد دوم جلوس بنهایت ادب و سکون و رو بقبله کرده و سر در پیش افکنده
بخضوع و خشوع تمام متوجه گردد و هر چند بفحوای کریمه يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ ایستاده و تکیه زده نیز جایز داشته‌اند لیکن
بر وجهی که ذکر کرده شد افضل است سیم رعایت ترتیل یعنی که حروف را از مخارج ادا نماید امام رضی الدین بخاری رحمة الله در لطایف تقریر
آورده که قرآن بر وجهی خوان که نه آن لعقو زده شود با شاد و کلمه بر زبان چنان ران که دست مفلوج قراضه زر شمرد و سوا ...
فصل و وصل از قراءة بی اصل خواهی غار نموده و حروف از دایره رعایت مخارج خارج گشته و توقف از مقام ... و منزل توقف برطرف
مانده لاجرم نه در تلاوة طراوتست و نه در قراءة حلاوت نظم و ادا ایش زبان مکن کج ، حرفهایش ادا کن از مخرج ، دور باش از شتاب تعجیل
کام گیر از تامل ترتیل ، چهارم افتتاح باستعاذه و تسمیه و استعاذه قبل از قراءت باید مطلقا در آغاز سوره و غیر آن اما تسمیه نزد یک افتتاح سوره
باید و در غیر آن مخیر است و بعضی در همه وقت تسمیه را اعظم داشته‌اند و ازین بحث شمه سبب ظهور خواهد یافت پنجم مراعات بجواب آن
دو نوعست فعلی و قولی فعلی آنست که بوقت تلاوة آیه سجده تلاوت کند و سجده چهارده موضع است اشارتی بآیات سجده و کیفیت آن
خواهد رفت اما قولی جواب بعضی آیاتست بر وجهی که از شارع نقل کرده‌اند چنانچه در عقب آیه فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ گوید آمنت
بالله و بعد از قراءت أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ جواب دهد که بلی وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ و درین ترجمه هر جا مثل این سورتی یا
ایمانی بران واقع خواهد شد ششم جزئی بلند خواندن بر وجهی که اسماع نفس کند و در اسماع غیر دو وجه است جمعی بجهة اجتناب از ریا و تصنع آهسته
خواندن را افضل اند و بعضی بجهة تنبیه سامع و تهییج شوق او بقرآن بلند خواندن انسب شمارند و اصل درین هر دو باب نیتست ع برای کرده
هر کس بقدر نیت اوست و در مواضع مکروهه چون بازار و خلق دنیا خانه و مانند آن و در مساجد بوقت گذاردن مردمان نماز بلند خواندن نشاید
هفتم از مصحف خواندن چه تلاوت عبادتست نظر بمصحف نیز از جمله عبادتست و چون دو عبادت که مقترن شود هر آینه اجر قاری زیاده
شود و در اخبار آمده که ختمی از مصحف مجید با هفت ختم از ظهر القلب در فضیلت برابر است و اکثر صحابه قراءت از مصحف کردندی ذو النورین با آنکه حافظ بود

Copyright © King Saud University